

بر اساس تعریف مختصری که بهاالدین خرمشاهی ارائه داده‌است، علوم قرآنی به علومی گفته می‌شود که برای فهمیدن و فهماندن و شناخت و شناساندن هرچه عمیق‌تر و دقیق‌تر قرآن کریم به وجود آمده و در تاریخ اسلام و اسلام‌شناسی بر تعداد آنها هم افزوده شده است. هرچند خرمشاهی در دانشنامه قرآن‌پژوهی خود ۱۴شاخه تاریخ قرآن، علم رسم‌الخط، رسم‌الخط، شناخت مکی و مدنی، علم شأن نزول یا اسباب نزول، علم شناخت ناسخ و منسوخ، علم محکم و متشابه، تحذی، اعجاز و تحریفناپذیری قرآن، تفسیر و تاولب، قرانت، تجوید و ترتیل، فقه قرآن یا احکام قرآن، اعراب قرآن(نحو و دستور زبان)، قصص قرآن، علم غریبالقرآن یا واژگان‌شناسی قرآن و علم یا فن ترجمه قرآن را ازاصول‌ترین زیر مجموعه‌های علوم قرآنی می‌داند اما برخی متخصصان علوم قرآنی، دیگر زیرمجموعه‌های دیگری نیز برای علوم قرآنی تعریف کرده‌اند که یکی از آنها که کمتر به آن پرداخته می‌شود، «حزب و تجزیه قرآن» است. در این گفتار کوتاه تلاش شده است به طور مختصر درباره برخی از این تقسیمات بویژه بحث «رکوعات قرآنی» توضیحاتی ارائه شود.

□ **تقسیمات قرآنی**

قرآن کریم در مقایسه با دیگر کتاب‌ها، کتابی است متوسطالحجم و می‌توان گفت حجم آن با کتب عهد جدید(انجیل اربعه و رسالات وابسته به آن) یا دیوان حافظ برابر است. بر اساس تحقیق دکتر محمد روحایی که در فرهنگ اماری کلمات قرآن کریم ارائه شده است، تعداد کل کلمات قرآن ۷۷هزار و ۸۰۷ کلمه است. جز تقسیمات قرآن بر اساس سوره و آیه که شناخته شده‌تر هستند، استادان علوم قرآن تقسیمات دیگری را نیز مطرح کرده‌اند که «جزء، حزب، ورد، نصف حزب، ربع، ثمن، منزل و رکوع» مشهورترین این تقسیمات هستند البته برخی از این نام‌ها قدمت بیشتری داشته و برخی دیگر نیز متاخر و مستحدث هستند.

□ **تقسیم قدیمی**

قریم هستند. امروزه از میان این ۳، فقط جزء و حزب رایج و مستعمل است و ورد – به‌عنوان نام بخشی از قرآن– دیگر کاربردی ندارد.

علی بن محمد بن عبدالصمد، علم‌الدین سخاوی مشهور به سخاوی(۶۴۳–۵۵۸ه‍.ق) از علمای بزرگ قرانت است که در مصر متولد و در شام وفات یافت. این استاد برجسته قرن ششم و هفتم که تالیفاتی چون «آبوی التمددی فی معرفةالعدد»، «الافصاح وغیه الاشرار فی القراءت السبع» و«القصائد السبع فی المذایج النبویه» دارد، در صفحه ۳۱۳جدل اول کتاب«جمال القراء و کمال الاقراء» درباره کاربرد جزء، حزب وورد چنین می‌نویسد:«اجزاء قرآن، احزاب واوراد اقرآن، همه به یک معنایند و گمان می‌کنم حزب قرآن از «حزب» به معنای جماعت گرفته شده باشد زیرا حزب طایفه و گروهی از آیات قرآن است و اما ورد گمان می‌کنم این کلمه از ورد(سر آب رفتن) ضد صدر( از سر آب گرفتن) باشد زیرا قرآن دل‌ها را سیراب می‌کند.» از گفته سخاوی استفاده می‌شود که در قدیم این ۳ نام به یک معنی به‌کار می‌رفته‌اند است ولی در حال حاضر، حزب به بخشی کوچک‌تر از یک جزء اطلاق می‌شود. جزء یکسانی قرآن است اما برای حزب تعریف ارائه شده است. حزب نزد علمای سرزمین‌های غربی ممالک اسلامی مانند مصر، تونس، الجزایر، لیبی و مراکش یکشصتم قرآن است. البته امروز به خاطر پیشرفت ارتباطات و راحتی تماس و ارتباط بین مردم نقاط مختلف حتی قرآن‌هایی که در مشرق‌زمین اسلامی چاپ و توزیع می‌شوند، ۶۰ حزبی هستند و نه ۱۲۰حزبی مثل قرآنی که به خط حفاظ معروف سوری «عثمان طه» نوشته شده و به روش مغاره به ۶۰ حزبی تقسیم‌بندی شده است و علاوه بر سوری، به ایران بویژه عریستان به تیراز ووسیع چاپ و منتشر می‌شود. دکتر حمیدرضا مستفید، استاد دانشگاه اصول دین در مقاله‌ای می‌نویسد:«در بعضی از قرآن‌ها که به روش مغاره به تقسیم‌بندی ونامگذاری شده است، مثل قرآن رسمی کشور لیبی، تقسیم ۲۰تایی وجود ندارد بلکه بزرگ‌ترین تقسیم آن حزب است که یک‌شصتم قرآن می‌شود.»

## انفاق خالصانه در راه خدا

**آیت‌الله جعفر سبحانی:** **«مَثَلُ الَّذِينَ يُبْنِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِنتِاعًا، مِرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَشْبِيتًا مِنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصْنَاهَا وَاِبلٌ قَاتَتْ اَكْلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبنْهَا وَاِبلٌ فُطِلْ وَاَللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»**. البقره / ۲۶۵
«و شاکسانی که اموال خود را برای خوشنودی خدا و تثبیت ملکات انسانی در روح خود انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران‌های درشت به آن برسد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره گیرد) و میوه خود را درجنتان دهد (که همیشه شاداب و باطراوت است) و اگر باران درشت به آن نرسد، بارانی نرم به آن می‌رسد و خادوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»

□ **اخلاص در عمل با انقلاب ارزش‌ها**

اخلاص در عمل یا کار برای خدا از اصولی است که اسلام به آن دعوت کرده و مایه انقلاب ارزش‌ها شده و اگر ایمن اصل در جامعه پیاده شود، فضای زندگی جامعه را شفاف و خندان خواهد گردانید و بسیاری از کشمکش‌ها و خودخواهی‌ها پایان می‌پذیرد. مسلماً کار، بدون انگیزه صورت نمی‌پذیرد و کار بدون انگیزه نوعی خطا و غفلت به‌شمار می‌رود. چیزی که هست محرک و انگیزه در امور فردی، نوعاً سود شخصی است. مثلاً آنجا که انسان احساس نیاز می‌کند، برای رفع نیاز خود دست به تلاش می‌زند، یک چنین کار در چارچوب کارهای فردی بسیار مستحسن و ستوده است. ولی آنجا که کار، انگک اجتماعی پیدا می‌کند، انگیزه باید دگرگون شود و رضای الهی یا علاقه به انسان‌ها محرک انسان باشد، اگر انگیزه کار انحراف پیدا کرد، خودخواهی و «غیر خود نخواهی» محرک انسان شده، کار نظاهری بیش نبوده و دیری نخواهد پایید. قرآن در تبیین عقیم ماندن کارهای رایبی و در مقابل، تمرینش بودن کارهای توام با اخلاص از ۲ تمثیل بهره می‌گیرد که با تمثیل نخست در شماره قبل آشنا شدیم، اکنون به تبیین تمثیل دوم درباره کارهای همراه با اخلاص می‌پردازیم.

کشاورزی زمین مناسبی را در یک نقطه بلندی برای احداث باغ اختصاص می‌دهد، نقطه‌ای که هم از تابش آفتاب بهره می‌گیرد و هم از باران‌های فصلی؛ اعم از درشت و ریز. او نهال‌ها را در دل زمین کاشته و هماهنگ با شرایط جوی به پرورش آنها همت می‌گمارد، چیزی نمی‌گذرد که نهال‌ها به صورت درخت برومند درآمده و دوچندان میوه می‌دهد.

شگفت آنجست که باران درشت گاهی مایه تباهی زراعت می‌شود چنانکه در مثل قبلی بیان شد، در حالی که در این تمثیل باران درشت مایه پرورش نهال‌ها و

□ **نصف الحزب و ربع**

در قرآن‌های ۶۰ حزبی، هر حزب را به ۴ قسمت تقسیم کرده و آن را ربع می‌نامند. در قرآن‌های ۱۲۰ حزبی، هر حزب را به ۲بخش تقسیم کرده و آن را نصف‌الحزب می‌نامند. در واقع، نصف‌الحزب و ربع، نام برای یک نوع تقسیم هستند، یعنی هرکدام یک هشتم یک جزء می‌شوند یا یک‌دویست و چهلم کل قرآن کریم.

□ **ثمن**

در قرآن‌های ۶۰حزبی که در برخی کشورهای افریقای مثل لیبی، الجزایر، مراکش و سودان رایج است، هر ربع را ۲اقسمت می‌کنند و هر قسمت را ثمن می‌نامند.

□ **منزل**

منزل نام یکهفتم قرآن است که امروزه در قرآن‌های رایج در شبه‌قاره هند مرسوم است. در این قرآن‌ها علاوه بر تقسیم ۲۰ جزئی، تقسیم ۷ منزلی نیز دیده می‌شود.

□ **رکوع**

رکوع نام تقسیم دیگری از تقسیمات قرآنی است که بهانه اصلی انجام این تحقیق مختصر است. این تقسیم‌بندی در بعضی از مصاحف بویژه مصحف‌های شبه‌قاره هند به کار رفته است. رکوعات برخلاف دیگر تقسیم‌بندی‌های قرآن طول و اندازه مساوی و معین ندارد،

### قرآن

**نگاهی به یک واژه غریب**

# رکوعات در قرآن

مهدی قمریان



□ **نصف الحزب و ربع**

در قرآن‌های ۶۰ حزبی، هر حزب را به ۴ قسمت تقسیم کرده و آن را ربع می‌نامند. در قرآن‌های ۱۲۰ حزبی، هر حزب را به ۲بخش تقسیم کرده و آن را نصف‌الحزب می‌نامند. در واقع، نصف‌الحزب و ربع، نام برای یک نوع تقسیم هستند، یعنی هرکدام یک هشتم یک جزء می‌شوند یا یک‌دویست و چهلم کل قرآن کریم.

□ **ثمن**

در قرآن‌های ۶۰حزبی که در برخی کشورهای افریقای مثل لیبی، الجزایر، مراکش و سودان رایج است، هر ربع را ۲اقسمت می‌کنند و هر قسمت را ثمن می‌نامند.

□ **منزل**

منزل نام یکهفتم قرآن است که امروزه در قرآن‌های رایج در شبه‌قاره هند مرسوم است. در این قرآن‌ها علاوه بر تقسیم ۲۰ جزئی، تقسیم ۷ منزلی نیز دیده می‌شود.

□ **رکوع**

رکوع نام تقسیم دیگری از تقسیمات قرآنی است که بهانه اصلی انجام این تحقیق مختصر است. این تقسیم‌بندی در بعضی از مصاحف بویژه مصحف‌های شبه‌قاره هند به کار رفته است. رکوعات برخلاف دیگر تقسیم‌بندی‌های قرآن طول و اندازه مساوی و معین ندارد،

□ **رکوع نوعی از وقف**

بررسی رکوعات قرآنی از منظر بحث«وقف» ابتدا« نیز حاوی نکاتی است. از آنجا که جایگاه وقف‌ها از ارکان تلاوت محسوب می‌شوند، نیازمند تعلیم و تعلم هستند. به همین جهت از دیرباز مورد توجه علمای اسلامی بوده و کتاب زیادی نیز در این باره به رشته تحریر درآمده است. فقهای قرآن اغلب با حرفوی چون:«ح، م، لا، ط، قف، ع» نشان داده شده است که به ترتیب بیانگر جواز وقف، لزوم وقف، عدم وقف، وقف مطلق و رکوع قرآنی هستند. رعایت وقف مطلق و رکوعات قرآنی و ایستادن سر آنها از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا در فهم معنی آیه و درک سیاق عبارات بسیار موثر بوده و مسیر تدبر در موضوعات قرآنی را هموار می‌سازد. از این رو علامت «ع» در پایان آیه، نشانگر انتهای یک واحد موضوعی است که دارای سیاقی هماهنگ و بیامی منسجم است.

از جمله قرآن‌هایی که وقف‌های اصیل و رکوعات قرآنی در آنها رعایت شده، می‌توان به خط حامدالأمدی، طاهر خوشنویس و شیخ عباس مصباح زاده اشاره کرد. در مقابل، خط عثمان‌طه برخلاف آنها علامت‌های رکوع را حذف کرده است که به همین دلیل برخی از استادان علوم قرآنی استفاده از این خط را برای اهل تدبر توصیه نمی‌کنند. یادآوری این نکته نیز ضروری است که برخی «ع» و

پنجشنبه۶اسفند۱۳۸۸

رکوعات قرآنی را ذیل موضوع وقف تقسیم‌بندی نکرده‌اند و معتقدند رکوعات قرآنی ارتباطی با بحث وقف و ابتدا ندارد.

□ **تقدی بر کاربرد رکوعات**

بر اساس نقل تاریخ، تا عصر عثمان که به یکسان سازی مصاحف (سنسخه‌ها و دست‌نوشته‌های مختلف قرآنی) پرداخت، قرآن بدون علامت (نقطه، فترحه، کسره و …) بوده است و پس از آن است که «ابوالاسود دؤلی» متوفای سال ۶۹قمری که از اصحاب‌امیرالمومنین علیه‌السلام بود، حرکات را با به‌کار گرفتن نقطه‌های رنگی در بالا، جلو و پایین کلمات وارد قرآن کرد. پس این سخن که «در صدر اسلام، خواندن یک رکوع در نماز به جای سوره کامل معمول بوده.» صحیح نیست، چرا که هنوز قرآن رکوع بندی نشده بود. بر فرض اینکه شده باشد هم، این مربوط به فقه اهل سنت است نه شیعه، زیرا آنچه در فقه شیعه مشهور است قرانت یک سوره کامل پس از سوره حمد در رکعت اول و دوم نمازهاست نه بخشی از سوره (برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۹، ص ۸۳۱). بنابراین، راهمایی علامت رکوع «ع» را در قرآن‌هایی که در سرزمین‌های شیعه نشین با رسم الخط فارسی به نگارش در می‌آید یا باید از سر تقلید دانست یا باید از آن جهت که کسانی که به حفظ قرآن می‌پرداختند، به‌صورت رکوع به رکوع پیش می‌فتند یا از آنجا که می‌توان در نماز مستحبی به‌جای سوره کامل، به بخشی از یک سوره (یک رکوع) بسنده کرد.

□ **عدد رکوعات**

۱- استاد محمد کاظم شاکر در کتاب قواعد وقف و ابتدا در قرآن به نقل از کتاب «السربالین فی علم القرآن» نوشته‌حسن بیگلری آورده است: گرچه قطع قرانت در آخر آیات رواست، اما به نظر می‌رسد که اگر بعد از اتمام یک موضوع باشد بهتر است. اهل سنت از آنجا که در نماز، بعد از حمد خواندن یک سوره کامل را واجب نمی‌دانند، بلکه خواندن آیاتی از قرآن را کافی می‌دانند، قرآن کریم را به هزار قسمت تقسیم کرده و هر جاقصه یا موضوعی تمام می‌شود، روی آخرین آیه آن حرف «ع» می‌نوسد که نشانه رکوعات است و در هر رکعت از نماز یکی از آن قسمت‌ها را می‌خوانند و به رکوع می‌روند و در نماز تراویح (که هر رکعت نماز مستحبی در شب‌های ماه رمضان است) در هر رکعت، یک قسمت را می‌خوانند تا در پایان ماه رمضان، کل قرآن را در آن نماز قرانت کرده باشند.

۲- شیخ علی ضباع از بزرگان علوم قرآنی بویژه علم قرانت در دوران معاصر است که در سال ۱۳۷۶ قمری وفات یافت. وی که به «شیخ المقاری مصر» و «مراجع مصاحف مصر» مشهور است، در انتهای قرآنی که زیر نظر او به چاپ رسیده تعداد آیاتی از قرآن را نشان می‌دهد که اگر کسی هر روز آن تعداد را حفظ کند، در ۲ سال، تمام قرآن را حفظ خواهد کرد. طبق این گفته کل رکوعات باید حدود ۷۳۰ عدد باشد.

۳- استاد کاظم مدیر شانه چی و همچنین استاد خرمشاهی عدد رکوعات قرآن را طبق مشهور ۵۴۰ رکوع می‌دانند که براساس آن به طور متوسط و تقریبی هر صفحه از قرآن یک رکوع دارد. البته استاد شانه‌چی در مقاله‌ای که در بالا نیز به آن اشاره شد در ادامه همین توضیح می‌نویسد:«عدد رکوعات قرآن مشهور ۵۴۰ رکوع است ولی در قرآن طبع تهران به سال ۱۳۷۴ هجری قمری که به اهتمام ملاصمد جعفر تهرانی از روی چاپ لیبیزیک مورخ ۱۳۲۲ هجری قمری نوشته شده عدد رکوعات را ۵۸۴ رکوع مرقوم داشته‌است.»

□ **یادآوری یک نکته**

علامت «ع» در قرآن‌های چاپ شده شبیه قاره هند، همراه با شمارهایی در حاشیه صحف دیده می‌شود. یعنی شمارهای در بالا، شمارهای در وسط و شمارهای نیز در پایین حرف «ع» قرار دارد. اشاره به شماره مسلسل رکوع در سوره است. شمارهای که در وسط حرف «ع» قرار دارد بیانگر تعداد آیات رکوع مورد نظر است و شماره پایینی، به شماره مسلسل رکوع در جزء مورد نظر اشاره دارد.

## ۲۰ سال از یک رهنمود گذشت



هستند و خوب هم می‌خوانند. در سرتاسر کشور، ما قرای بالارزش و ممتازی داریم که وقتی در مسابقات جهانی شرکت می‌کنند، گوی سبقت را از بقیه کشورها می‌ربایند و بحمدالله از اینگونه قراء کم هم نداریم. غیر از آنچه تاکنون انجام گرفته ۲ کار دیگر باید انجام بگیرد: اول اینکه باید روخوانی قرآن، تمام ملت ما را شامل شود. نباید یک نفر در میان ملت ما بماند که قادر نباشد قرآن را باز کند و به صورت صحیح بخواند. زن و مرد تلاوت خوب بخوانند و بویژه شما که قرآن را تلاوت می‌کنید، این قسمتی را که می‌خوانید، حتما ترجمه‌اش را بفهمید و بدانید که بدون دانستن ترجمه قرآن، قادر به تلاوت خوب نخواهید بود. من به برادرانی که اهل تلاوت قرانتند، مکرر یادآور شده‌ام که شما نمی‌توانید خوب تلاوت بکنید، در حالی که نمی‌دانید کجا باید وصل کنید، کجا باید وقف کنید و کجا از مناسب است یا چه کنید بخوانید. در حرف زند معمولی هم، شما صدایتان را بالا می‌برید، پایین می‌آورد و بر تاثیرگذاری سخن می‌افزایید. اینها، لازمه کلام است. وقتی قرآن را تلاوت می‌کنید، باید بتوانید این کارها را بکنید و بدون اطلاع نمی‌شود این کارها را انجام داد. حفظ قرآن، قدم بعدی است که هرکس توفیق پیدا بکند، یقیناً خیر کثیری به دست آورده است.

امیدواریم که خوانند همه ما را در دنیا و آخرت با قرآن مشحور کند. ان‌شاءالله زندگی ما قرآنی باشد و به سمت اهداف این کتاب شریف حرکت کنیم و مامت ما هم با معرفت قرآن و در خدمت آن قرار گیرد.

**سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با قاریان ۴۰کشور جهان و جمعی از روش‌ضمیران در سالروز بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) - ۱۳/۴/۱۳۶۸**

نکته آخری که مطرح می‌کنم، توجه به قرآن است

که بحمدالله بعد از پیروزی انقلاب، در میان ملت ما روزافزون بوده است و من باید از برادران عزیزی که این مراسم و تشکیلات و دعوت و مسابقات و تشویق عمومی را برای ملتمان فراهم کردند و نیز از برادران عزیزمان در حج و اوقاف که به این مسأله اهتمام ورزیدند، صمیمانه تشکر کنم. این اهتمام جای تقدیر و شکرگزاری دارد، اما حتی از این هم بیشتر و وسیع‌تر، باید نسبت به امر قرآن اهتمام ورزید، زیرا قرآن همه چیز است.

قرآن به دعوت می‌کشد که ملت ما در نیم قرن پیش از پیروزی انقلاب که واقعا مدت کمی نیست روزه‌روز از قرآن فاصله گرفته و دور شده است. تا قبل از این نیم قرن، مردم ما حتی آنهایی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند غالباً می‌توانستند قرآن را از رو بخوانند. به همین جهت، این مکتبخانه‌ها تعمت بزرگی بود. چقدر کسانی از افراد مسن نسل قبل را ما می‌شناختیم که سواد خواندن و نوشتن نداشتند، نمی‌توانستند فارسی بخوانند و با آنکه زبانشان فارسی بود، نمی‌توانستند زبان خودشان را به صورت مکتوب بنویسند و بخوانند. اما می‌توانستند کتاب خدا را بخوانند و قرآن را بفهمند. این سیاستی که رژیم وابسته فاسد خبیث دشمن را در این کشور بر سر کار آورد و بیش از ۵۰ سال مسلط نگه‌داشت، یکی از بزرگ‌ترین ضررهایی که زد و ضررهایی که وارد کرد، همین بود که قرآن را به‌تدریج کنار گذاشت؛ تا آنجا که از میان جامعه ما، قرآن بیرون رفت، لذا در مدارس ما، درس موسیقی می‌دادند اما از آموزش قرآن خبری نبود؛ هر بچه‌ای که به دبستان و دبیرستان می‌رفت، نت موسیقی را یاد می‌گرفت، اما متن قرآن کریم را نمی‌آموخت؛ بنابراین ما را جدا کردند و از قرآن دور نگه‌داشتند.

من بیش از انقلاب، وقتی به وضع قرآن در جامعه خودمان نگاه می‌کردم و جوان‌هایی را که با این استعداد و شوق و علاقه از قرآن دور می‌ماندند، می‌دیدم، چه خون‌دلی می‌خوردم. خدا را شکر می‌کنیم، هر چند از ادای این شکر عاجزیم که با پیروزی انقلاب، ما را به قرآن برگرداند و با قرآن آشنا کرده و راه قرآن را به روی ما باز کرد. ما باید عقبماندگی‌ها را جبران کنیم. ما با کسانی که زبان مادری‌شان عربی است، فرق داریم. آنها با اندکی سواد می‌توانند قرآن را بفهمند. البته متن قرآن متنی نیست که هر عرب می‌سوای بتواند آن را در دست بفهمد. مقداری معلومات و معارف لازم است، اما بالاخره می‌توانند بفهمند در صورتی که فارسی‌زبان‌ها این طور نیستند. ما باید علاوه بر خواندن متن قرآن، ترجمه آن را هم یاد بگیریم. امروز، بحمدالله هوای ما قرآن‌خوان

مرطبی دست روی قرآن نهاد و رضی از نهادن دست روی قرآن خودداری کرد.

مقسم پرسید: چگونه هیچ مباحی را مرتکب نشدی؟

مرطبی گفت: من از دوران تکلیف به این طرف همه کارهای خود را از خواب و خوراک برای خدا انجام می‌دهم تا در سایه انجام امور مباح بتوانم در خدمت خدا و اطاعت او باشم.

□ **قرآن و دعوت به اخلاص**

قرآن به دعوت‌های گوناگون به اخلاص در عمل دعوت می‌کند و تحت عناوین یادشده در زیر این حقیقت را بیان می‌کند:

۱- **مرضات‌الله:** قرآن آن گروه را می‌ستاید که کار را برای تحصیل رضا و خشنودی خدا انجام دهند آنجا که می‌توانند:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ اِنتِاعًا مِرْضَاتِ اللَّهِ وَ اَللهُ رَؤُوفٌ بَالعِبادِ». بقره / ۲۰۷
«برخی از مردم با جان خود رضای الهی را می‌خرند، خدا به بندگانی که سببشان از آیات، انگیزه را وجه الله

معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«وَمَا تَفْقَهُوا اِلا اِنتِاعًا وَجْهَ اَللهِ...» بقره / ۲۷۲
«انفاق نمی‌کنید مگر برای تحصیل رضای خدا»
کلمه «وجه» در این موارد به معنی ذات خداست چنانکه می‌فرماید:

۲۷

«گواه بر اینکه وجه به معنی ذات است اینکه در این آیه، ذوالجلال وصف «وجه» است، نه وصف «رَب» زیرا اگر وصف «رَب» بود، لازم بود بفرماید: (ذی‌الجلال والاکرام) مسلماً آنچه که دارای جلالت و عظمت است، ذات حق تعالی است.

۳- **رضوان‌الله:** بسومین واژه‌ای که قرآن در دعوت به این اصل به کار می‌برد، واژه «رضوان» است که در نزد اهل معرفت جنبه و کشش خاصی دارد و برای اهل کمال لذتی بالاتر از تحصیل آن نیست و نهایت آرزوی هر عارف این است که افعال بدنی و قلبی او مظهر رضای حق باشد. قرآن این لفظ را در صورت‌های «رضوان‌الله»، «رضوان من‌الله»، «رضوانه»، «رضوان و «رضوانا» به کار می‌برد، از باب نمونه «تَرَاهُمْ رِکْعًا سَاجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا» (فتح / ۲۹)، و پیامبر و یاران او را در حال رکوع و سجود می‌بینی که خواهان کرم خدا و خشنودی او هستند.